

شورای تجزیه طلبان

و فرار از جلو

امیرفیض- حقوقدان

در تحریر (اعلیحضرت و اصرارموجه و اصرارناموجه مورخ ۲۰۱۷/۱۰/۶) ^۱ قرار شد نامه اخیر شورای تجزیه طلبان که ظاهراً بمناسبت حرکت استقلال طلبانه کردهای عراقی و به موازات تشکیل مجمع عمومی آن شورا انتشار یافته مورد بحث تحریرات قرار گیرد اکنون باتفاق سرقرار حاضریم.

مقدمه نامه مزبور

قابل درک آسان نبود که مقدمه مفصل آن نامه شورا بهرچیسست؟ مقدمه هرنامه و یا موضوعی (که در انواع مقدمه، همان مقدمه علم نامیده میشود) به این معناست که از مقدمه میتوان با ذوالمقدمه آشنا شد؛ درحالیکه جریان کردستان عراق و آشنائی با آن هیچ ارتباطی با آن مقدمه تاریخی مفصل که در نامه شورای تجزیه طلبان آمده است نداشته است.

شگرد در نامه ها

در نامه هائی که نویسنده قصد دارد که موضوع حقیقی نامه بعنوان یک سند باقی بماند و خواننده نامه زیاد ملتفت موضوع حقیقی نامه نشود معمولاً با مقدمه ای که خواننده نامه با آن بیگانه نیست و قدری هم مفصل و خسته کننده باشد آغاز میگردد؛ زیرا عادت معمول در خواندن نامه این است که خواننده همینکه با موضوعات آشنا و آگاه نامه روبرو شد نامه را رها میکند و تصور میکند که همه آن نامه را خوانده و یا میداند.^۲

شورای تجزیه طلبان از شگرد مزبور برای فرار از جلو و اتهام مشارکت در زمینه سازی برای تجزیه کشور استفاده کرده است و در واقع قسمت اصلی نامه مزبور همین چند جمله ای است که در زیر ملاحظه میفرمائید:

بخش مورد استفاده از نامه مزبور

در روزهای اخیر برگزاری همه پرسی در اقلیم کردستان عراق و واکنش های جهانی از ایالات متحده آمریکا گرفته تا اروپا و دبیرکل سازمان ملل را برانگیخته است (۱) و همزمان ذهنیت بسیاری

^۱ - <http://1400years.org/AmirFeyz/BayanatRPVaEsrareMovajahNamovajah-AF-06Oct2017.pdf>

^۲ - تنها کسانی که دقت بیشتری دارند نه تنها میان خط هارا میخوانند میان واژه ها و ارتباط بین واژه هارا میخوانند - استاد امیر فیض به من هم آموزش داده اند تا میان واژه هارا بخوانم پیشتر تنها میان خط هارا در ضمن خواندن کل نوشته را میخواندم. اینجا از استاد سپاسگزاری میکنم. ح-ک

از هموطنان ایرانی وساکنین کشور همسایه را درگیر خود کرده است، چراکه تغییر جغرافیایی سیاسی این بخش از منطقه به دنبال خود میتواند تنش های دیگری را به همراه داشته باشد. (۲)

شورای ملی ایران یاد آور میشود که؛ از دیدگاه ایدئولوژی و یا با اتکاء بر نظریاتی مبنی بر تیره و تباری ویژه فراتر از حق تعیین سرنوشت برای مردمان یک منطقه ضمانتی برای تامین رفاه، امنیت و حقوق مدنی به جهت مردمان آن سرزمین ایجاد نمیشود؛ حقوق شهروندی فقط با تغییر مرزها به دست نیاید بلکه تنها با برپایی حکومتی قانونی مبنی بر حقوق بشرودمکراسی تضمین میشود. (۳)

تمامیت ارضی ایران با احترام به حقوق شهروندی ضمانت میشود (۴) مامردم ایران می بایست هشیار باشیم و از ایرانیت بعنوان شناسنامه ملی مان پاسداری کنیم که تنها راه برقراری صلح، امنیت، برابری و رفاه شهروندی پایدار برای سرزمین وکشورهای همسایه میباشد.

آیا تعارض هست؟

قبل از بحث درباره نامه شورای تجزیه طلبان یک بحث کوتاهی پیش رو قرار دارد و آن این است که شورای تجزیه طلبان که در ماده دوم قطعنامه خود نوشته است: <حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران، آیا ماده ۱۱ آن که صحبت از تقسیم قدرت میان بخشهای مختلف کشور از طریق ایجاد نهادهای دموکراتیک جهت اداره امور سیاسی، انتخاب مسئولین محلی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مینماید که در حقیقت زمینه سازی برای تجزیه کشور است منافات دارد یا خیر؟ البته که دارد.

صورت ظاهر قضیه این است که ماده دوم با ماده ۱۱ منافات دارد ولی حقیقت امر این است که ماده دوم و یازده لازم و ملزوم اند؛ یعنی تصریح بوجود استقلال و تمامیت ارضی و حفاظت از آن لازمه تجزیه کشور است.

توضیح آنکه اگر کشوری دارای استقلال و تمامیت ارضی نباشد نمیتواند ماده ۱۱ شورای تجزیه طلبان را اجرا کند، نمیتواند کشور را تجزیه و به قطعات خود مختار و مستقل درآورد زیرا کشور فاقد حاکمیت بر عموم قطعات کشور است تشبیهی ممکن است دلالت بیشتری بی نیاز سازد.

وقتی کسی مالک شش دانگ یک زمین و یا خانه ای است میتواند آنرا قطعه، قطعه کرده و دیگران را هم شریک ملک بسازد ولی وقتی کسی خود مالک مشاعی است یعنی بر تمام ملک مالکیت مطلق ندارد نمیتواند ملک را بین افراد دیگر تقسیم کند.

شورای تجزیه طلبان و همه تجزیه طلبان که صحبت از استقلال و تمامیت کشور میکنند؛ آنقدر شعور دارند که تجزیه کشور و ایجاد اقتدار سیاسی و اداری برای مناطق مختلف کشور در سایه جریانات سیاسی جهانی با استقلال و تمامیت ارضی منافات دارد و مقدمه ای است برای جدائی از کشور ولی علتی که آنها مسئله استقلال و تمامیت ارضی را مطرح میکنند برای جوش دادن معامله است و اینکه تجزیه طلبان مطمئن شوند که کشور ما در آنها مستقل است و قابل معامله با تجزیه طلبان میباشد.

اما نامه شورای تجزیه طلبان

فرازهای ۱ و ۲ نامه مزبور موید آن است که شورا به اهمیت فسادى که در ماده ۱۱ اساسنامه اش پیاده کرده آگاه است و میداند که:

۱- باعث وحشت و نگرانی مردم ایران و جهانیان است و جهانیان همانطور که نسبت به اقدامات کردهای عراق واکنش نشان داده اند نسبت به اجرای ماده ۱۱ شورا هم قابل احساس است.

۲- شورا اذعان دارد که تغییر جغرافیای سیاسی یک قطعه از کشوری درخاورمیانه تاثیر مستقیم در قطعات کشورهای دیگر دارد یعنی حتی وجود ماده ۱۱ بدون اینکه وارد محوریت اجرا گردد انتظار مشابهی را نسبت به تمام ایالات و ولایات و حتی شهرهای ایران موجب خواهد شد. آیا دشوار است غائله و یا انتهای تاسف بار آنرا از هم اکنون ملاحظه نکند؟ وقتی به سوابق تجزیه طلبی جنوبی ها و غربی ها و شمالی ها و جنوب شرقی ایران نگاه میکنیم، آنوقت باید نسبت به تمامیت کشورمان خیلی بی غیرت باشیم که مانند شورای تجزیه طلبان از تجزیه کشور حمایت کنیم.

۳- شورا با بکاربردن واژه (تنش) متکی بر این باور درست شده است که اجرای ماده ۱۱ با تنشی که حد وصل آن اکنون قابل پیش بینی نیست، روبرو خواهد شد **پیکلامی دیگر؛ اجرای ماده ۱۱ بصورت امری طبیعی و تحول اجتماعی به اجرا درخواهد آمد و ملات آن آتش و خون خواهد بود.**

۴- مشارکت سران تجزیه طلب کردستان ایران در جلسات شورا و آقاریر و تصاویری که منتشر شده نشان میدهد که هدف ماده ۱۱ تحقق خواست کردهای جدائی طلب ایران است و اظهارات اخیر رهبر کردهای ایران عبدالله مهدی به اینکه «پیشمرگان ما در کردستان در حال جنگ با جمهوری اسلامی هستند» نشان میدهد که شورا با آمادگی در تنشی که هم اکنون سر کرده آنها مهدی اعلام کرده یعنی خشونت مسلحانه به استقبال ماده ۱۱ رفته است.

با این آگاهی ها

با این آگاهی ها که شورا به آن رسیده، چرا دست از این ماده (ماده ۱۱) کثیف ایران ویران کن برنمیدارد؟؟؟

اسناد سیاسی موجود شامل اظهار نظر شخصیت های خارجی و بویژه آمریکا نشان میدهد که سیاست جهانی آمریکا بطور کلی (نه فصلی که اکنون در مورد کردستان عراق ناظریم) بر تجزیه ایران و عراق و سوریه و افغانستان است و قدم اجرائی آنرا هم در موافقت نامه گنجی و تیمرمن برای خود مختاری کردستان ایران را داریم؛ اینها قرینه ای است که اگر آمریکا و تیمرمن، اسرائیلی، در سالهای قبل موفق به زمینه سازی برای تجزیه ایران نشدند اکنون و بعد از ده ها سال بوسیله شورائی با پشتیبانی اعلیحضرت و علیاحضرت و همسراعلیحضرت همان زمینه نابکار مانده سال را به سکوی اجرا در آورده اند.

به این اسناد نگاه کنید

به این اسناد نگاه کنید و بعد ادعای تمامیت ارضی ایران را کنید!!

❖ «روزنامه هرالد تریبیون نوشت: >بزرگترین خطری که در ایران وجود دارد اقوام مختلف است. خطر طغیان اقلیت های قومی میتواند همه چیز را دگرگون کند. اقوام مختلف ۴۴ در صد از مردم ایران را تشکیل میدهند، اگر روزی این مخالفان قوی متحد شوند و گروهی اصلاح طلب با مخالفان قوی همانگی پیدا کنند سرنگون ساختن جمهوری اسلامی که در حال حاضر مهم است بخودی خود صورت میگیرد. اکثریت این اقوام میخواهند ایران

بصورت یک فدراسیون سست بنیاد در آید و مستقل شوند اکثریت دست اندرکاران آمریکائی معتقدند که کمک به اقلیت های قومی منافات آشکار با مذاکرات اتمی دارد ولی در حال حاضر کمک به بلوچ ها از طرف سرویس پاکستان و کمک به کردها از سوی موساد ادامه دارد. (کیهان لندن ۱۲۹۰)

❖ عبدالله مهتدی (مشارکت او در تنظیم ماده ۱۱) رهبر کومله در مصاحبه با روزنامه الشرق الاوسط از اتحادیه عرب خواست که به کومله کمک کند او گفت: ما ارتباط خوبی با اپوزیسیون ایرانی، خصوصا خلق فارس و خلق عرب داریم (مقصود عبدالله مهتدی از اپوزیسیون ایران شورای تجزیه طلبان است) ارتباطات، نقطه شروع حمایت کومله از جنبش سبز و رهبران جنبش بود (به فصل روشن حمایت شورای تجزیه طلبان و جنبش سبز رجوع کنید) که صراحتا مواضع کوله را در این خصوص توضیح داده است که یکی از آن مواضع موافقت با حمله نظامی آمریکا به ایران است.

فرصت مناسب

میتوان گفت اکنون که سیاست دولت آمریکا موقتا خودداری حمایت از جدائی طلبی کردهای عراق است فرصت مناسبی است که شورای تجزیه طلبان از موقعیت استفاده کرده و خود را از ماده ۱۱ که از بندهای سیاست تجزیه کشورهای خاورمیانه است وزیر کنترل و حمایت اسرائیل و آمریکا قرارداد خود را رها سازد.

فرار از جلو

فرازهای سوم و چهارم درنامه شورا که با خط تاکیدی مشخص شده درماهیت فرار از جلو جلوه گراست یعنی درواقع میخاهد وانمود کند که پلی زده است بر روی ماده ۱۱ و معتقد است که به این دانائی رسیده است که تجزیه کشور ویا تقسیم قدرت بین مناطق کشور از اسباب آزادی و دموکراسی و تامین حقوق مردم ویا اقلیت هانیست و باید ماهیت حکومت دموکراسی باشد.

این کسب دانائی شورا درست و بجاست تجزیه کشور ویا تفویض قدرت اجرائی که مقدمه ایجاد حکومت های خود مختاری و بازهمان حکومت های خودمختاری مقدمه استقلال وجدائی کامل مناطق خود مختار از تمامیت کشور است وپی آمد آنها مناقشه و نا امنی وتدارکات جنگی بین مناطق کشور و دولت خواهد بود، هیچ رابطه لازم و ملزومی با دموکراسی و احقاق حقوق برابر مردم کشور ندارد و حتی میتوان گفت که عوارض جانبی آن سبب میشود که همان حداقل حقوق انسانی هم نتواند در جریان عادی خود قرارگیرد.

تلاش ناموفق

فرازهای سوم و چهارم که مورد شرح قرار گرفت به هیچوجه نمیتواند مسقط اثرات ماده ۱۱ ویا معرف سیاست جدید شورا نسبت به ماده ۱۱ باشد زیرا که:

شورا دارای شخصیت حقوقی است واین بدان معناست که فصل ناسخ و منسوخ نسبت به اظهارات افراد شورا موثر در هویت سیاسی و فلسفی شورا نمیشود. زیرا شورا واجد شخصیت حقوقی است و نظر افراد شورا نظر شورا تلقی نمیگردد حالت مزبور که فصل ناسخ و منسوخ را بوجود میآورد متوجه

شخصیت های طبیعی است که نظراتشان میتواند نظر سابقشان را تعدیل و یا فسخ کند و در کلامی روشن فرار از جلو روشی نیست که بتواند مورد استفاده شخصیت های حقوقی باشد.

شورای تجزیه طلبان مادامی که ماده ۱۱ را صریحا و قاطعانه از منشور خود حذف ننماید ماده ۱۱ سند هویتی شورا نسبت به امر تجزیه کشور خواهد بود

کناره گیری ریاست شورا

روشهای اخلاقی موجود و متداول این است که وقتی رئیس و یا حتی کارمندی بازنشسته میشود و یا بهر علتی بدون اتهام کناره گیری میکند، از خدمات آن کارمند و یا رئیس تجلیل میشود، و در واقع عدم تجلیل معنایی جز رها شدن شورا از آسیب هائی که آن کارمند و یا رئیس به شورا زده است ندارد و در حقیقت مصداق <مرابه خیر تو امید نیست شر مرسان> است.

رفتار موهن و بسیار زننده و غیر اصولی شورا و افراد آن نسبت به کناره گیری ریاست شورا کاملا امری بیسابقه و بدور از اخلاق و انصاف و شیوه معمول بشریت است، اعلیحضرت با خرج اعتبار و شخصیت خود و خانواده این شورا را بوجود آوردند و هر اعتبار کاذبی که این شورا بدست آورد از قبیل همان دخالت ناموجه اعلیحضرت در امر شورا و اعلام تعلق آن به خودشان بود، و نقش قانونی هم در تصمیم گیری های شورای تجزیه طلبان نداشتند.

شورا حتی در حد یک تجلیل ساده و راه اندازی یک اجلاس و سخنرانی و تقدیر از حمایت اعلیحضرت از شورا کوتاهی کرد؛ و واقعا از حالتی استقبال کرد که گویی عامل همه خطاها و کجروی های شورا کسی جز شخص اعلیحضرت نبوده است.

گرانصاف خواهی سگ حق شناس به سیرت به از آدمی ناسپاس

(سعدی)